

تکریم زن از دیدگاه امیرالمؤمنین علی علیه السلام در نهج البلاغه

محمد آصف

چکیده

خداوند متعال انسانها را از دو جنس زن و مرد آفرید و هر کدام را به ویژگی‌ها و صفات خاصی آراست تا با کسب خوبی‌ها و شایستگی‌ها به کمالات معنوی دست یابند و با گام نهادن در صراط مستقیم استعدادهایشان را شکوفا سازند. اسلام برتری افراد را به زن و مرد بودن نمی‌داند، بلکه آن را در گرو ایمان خالص، عمل صالح و انجام تکالیف الهی دانسته و هیچ عملی را ولو اندک ضایع و بی‌پاداش نمی‌گذارد. در این مقاله با توجه به اینکه در برخی جوامع دیدگاه نادرستی نسبت به زنان وجود دارد، تلاش شده تا مقام زن از دیدگاه امام علی علیه السلام تبیین شود. البته باید گفت که سخن کلی نهج البلاغه در زمینه مقام زن، همان سخن قرآن است. در این مقاله به اختصار و با استناد به نهج البلاغه، به مباحث فطرت زنان، وظایف زنان، تکریم زنان، معرفی الگوی مشارکت اجتماعی زن، مقام مادری زنان و جایگاه زن در خانواده از دیدگاه امام متقین با پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها

امام علی علیه السلام، زن، نهج البلاغه.

تکریم زن از دیدگاه امیرالمؤمنین علی علیه السلام در نهج البلاغه

مقدمه

حضرت علی (ع) به عنوان شخصیت بزرگ اسلامی، برای زن و نهاد خانواده، جایگاه بلندی را ترسیم نموده است. از کلمات گهربار و زندگی مشترک علی (ع) با فاطمه (ع) می‌توان عمق منزلت زن را در اندیشه والای ایشان دریافت. قرآن ناطق، حضرت علی (ع) (علیه‌السلام) در نگرش جامع نسبت به مسائل زنان در فرازهای مختلف از خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها به صورت تحلیلی، تفسیر قوانین دینی در امور زنان را بیان کرده‌اند تا هیچ نقطه ابهامی در برنامه‌ریزی مسائل زنان باقی نماند. در مجموعه پربار نهج‌البلاغه، مباحث زنان در ۵۳ مورد، در ۲۵ خطبه، یک نامه و سیزده حکمت ذکر شده است. نهج‌البلاغه برگردانی از قرآن است. یعنی محتوا همان محتوای قرآن است که امیر المؤمنین علی (ع) آن را در قالبی نوین و دیگر ریخته است. نهج‌البلاغه چیزی جز آنچه در قرآن آمده، ارائه نکرده است. فقط اینکه قرآن به‌صورتی کلی برای تمام عصرها و نسلها سخن گفته است، اما نهج‌البلاغه این مسائل کلی را در رابطه با یک ملت مطرح کرده است و نشان داده است که مسائل کلی قرآن را چگونه می‌شود درباره یک ملت به کار برد و با زندگی یک جامعه آن را تطبیق داد.

امام علی (ع) در بررسی‌های خود در زمینه مسائل اسلامی، سعی بر آن دارد که این ضوابط کلی اسلامی قرآنی را در مورد امتی که با آن درگیر است تطبیق دهد. خواه ناخواه، در این تطبیق دادن، ابعاد نارسایی‌ها و کمبودهای آن جامعه به چشم می‌خورد، یعنی آنچه که در جامعه، مانع از انطباق اصول کلی اسلام است، مورد توجه امام قرار می‌گیرد. علل و عواملی که مانع از تطبیق و اجرای احکام کلی الهی می‌شود، مورد نظر قرار می‌گیرد و به همین جهت می‌بینیم که نهج‌البلاغه بیشتر به انتقاد می‌پردازد.

در نهج‌البلاغه اصول کلی تازه نیست، اما آنچه که در تطبیق اصول کلی بر مواردش مطرح می‌شود، کاملاً تازگی دارد. بی‌جهت نیست که در نهج‌البلاغه، درباره شخصیت زن سخنی در میان نمی‌بینیم، هرچه هست به‌صورت نقد است، هرچه هست بیان نارسایی‌هاست، هرچه هست بیان کمبودهاست. نهج‌البلاغه، آئینه‌وار سیما و شخصیت زن را آنچنان که هست می‌نمایاند: کم را کم، اندک را اندک، نارسا را نارسا نه چیزی بر آن می‌افزاید و نه چیزی از آن کم می‌کند.

کسی که می‌خواهد نهج‌البلاغه را بدون قرآن مورد بررسی قرار بدهد، مانند کسی است که روح را از کالبد جدا می‌کند. تفکیک قرآن از نهج‌البلاغه، تفکیک روح از کالبد است و برای فهمیدن سیما و چهره و شخصیت واقعی زن در نهج‌البلاغه باید به قرآن مراجعه کرد و انتقادهای نهج‌البلاغه را، در کنار آن، در تطبیق مسأله مورد بحث قرار داد.

نکته دیگری که باید یادآوری شود اینکه در نهج البلاغه، مسائل تاریخی و مناسبت‌های تاریخی، الزاما باید مورد توجه قرار بگیرد. مناسبت‌های تاریخی سخن امام، به مثابه قرآینی است که در کلام گفته می‌شود. اگر ما سخنی را از قرائن متصل و منفصلش جدا کنیم، مفهوم نخواهد بود و مقصود گوینده را نخواهد رساند. مناسبت‌های تاریخی سخن امام، به مثابه این قرائن است اگر ما این قرائن را تفکیک کردیم، مقصد امام را به‌خوبی درک نکرده‌ایم. اگر بنا به مثال معروف لا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ را از یا أَيُّهَا جدا کردیم، آنچه که قرآن می‌گوید به آن نخواهیم رسید و اگر کَلُوا وَ اشْرَبُوا را گرفتیم و به لا تُسْرِفُوا توجه نکردیم، به مفهوم واقعی و مقصد نهایی قرآن نرسیده‌ایم. همچنین است مناسبت‌های تاریخی در سخن امام.

آنچه که در اسلام، قرآن و نهج البلاغه دیده می‌شود، مسأله «تساوی» است نه مسأله «تشابه»، تفاوت است و نه تبعیض. مسأله تفاوت‌های فیزیکی و روحی بین زن و مرد، مطلبی نیست که انکارپذیر باشد، از مقوله حقوقی و در قلمرو جعل هم نیست که بشود آن را اثبات یا نفی کرد. مطالبی که در نهج البلاغه درباره مقام و شخصیت زن آمده، اگر به‌درستی شمارش بشود، سیزده، چهارده مورد است. تمام این موارد مربوط به مناسبت‌های تاریخی خاصی است که باید مورد توجه قرار گیرد. مع الاسف، برخی، به مناسبت‌ها توجه نکرده و از آن غافل مانده‌اند. به عقیده نگارنده قضایایی که در زمینه‌های مشابه مقام و شخصیت زن در نهج البلاغه آمده است، به صورت قضایای «خارجیه» است نه به صورت قضایای «طبیعیه» یا «حقیقیه». با طبیعت زن کاری ندارد، به صورت حکم کلی برای همه زنان جهان نیست. سخن از زن موجود در جامعه است با تمام نقص‌ها و نارسائی‌هایش. آنچه که امام مورد انتقاد قرار می‌دهد، زن موجود در جامعه است و کلیه زنانی که با چنین خصوصیات و خصایصی در جامعه ظاهر می‌شوند. اگر در طبیعت زن خواستیم تحقیق کنیم، قرآن در این زمینه، مسأله را به‌روشنی بیان کرده است و این در نهایت به همان مسأله بازمی‌گردد که قرائن و مناسبت‌های تاریخی را نباید ندیده گرفت.

مطلب دیگر اینکه در برخی از مسائل، احکام موقت مقطعی در اسلام، چه در عصر پیامبر و چه در عصر امیر المؤمنین، وجود داشته، و این احکام ثانوی به صورت دستورهای مقطعی، سلسله‌ای از احکام بوده است که به تناسب ظرفیت‌های زمان، بیان می‌شده است. این مسأله، هم در زمینه مقوله‌های حقوقی صادق است و هم در زمینه مباحث و مسائل دیگر که مربوط به مسائل ارزشی است و در این زمینه نمونه‌هایی هم داریم. گاه برخی مسائل ارزشی هم به همین شکل در جامعه مطرح می‌شود. بنا به

برداشتی که دارم، برخی از مسائل که درباره زن و مقام و شخصیت زن در نهج البلاغه آمده است، در رابطه با این مسأله است و باز شرایط حاکم بر جامعه، اساس نظرها و دیدگاهها بوده است. نکته آخر که باید به آن اشاره کرد، مسأله تساوی و برابری است. آنچه که در اسلام، قرآن و نهج البلاغه دیده می‌شود، مسأله «تساوی» است نه مسأله «تشابه»، تفاوت است و نه تبعیض. مسأله تفاوت‌های فیزیکی و روحی بین زن و مرد، مطلبی نیست که انکارپذیر باشد، از مقوله حقوقی و در قلمرو جعل هم نیست که قابل رد یا اثبات باشد. در تفاوت‌های بین این دو جنس انسان، دو گونه انسان، با حفظ انسانیت در هر دو، حکمت بالغه‌ای هست که مسأله تقسیم مسئولیت‌هاست و این تقسیم مسئولیت‌ها ایجاب کرده تا چنین تفاوت‌هایی باشد و یا به عکس چنین تفاوت‌هایی ایجاب می‌کند که مسئولیت‌های متفاوتی بر دوش زن و مرد باشد. متقن‌ترین و شایسته‌ترین حکم و قانون آن است که با آنچه که در خلقت و آفرینش انسان هست تطبیق کند. تفاوت‌ها از اساس تفاوت‌های موجود و عینی فیزیکی و روحی سرچشمه می‌گیرد، اما «برابری» یک مسأله ارزشی و حقوقی است و قابل جعل است و این مسأله‌ای است مهم.

جایگاه زن از دیدگاه حضرت علی علیه السلام فطرت زنان

زن موجودی ظریف، با احساس و عاطفه قوی است که خداوند متعال او را آفرید تا بخشی از بار رسالت تعلیم و تربیت جامعه را بر دوش گیرد و در مسیر کمال گام بردارد. خداوند زن را که مظهر جمال الهی است، آفرید و او را مایه آرامش و سکون همسر قرار داد تا خانه و خانواده را در سایه عطوفت و رحمت خود بیاراید. چراکه رحمت و مودت، مایه بقای زندگی است. امام متقیان توجه به فطرت زنان، لطافت و زیبایی زن را عامل مهمی در حفظ و حراست از زن می‌داند و می‌فرماید: «ان المرأة ریحانة لیست بقهرمانة». همانا زن گل است، قهرمان نیست (نهج البلاغه: نامه ۳۱). بر اساس این سخن، زن همانند گلی است که باید از آن مراقبت شود تا با طراوات و تازه بماند و بتواند در پرتو عطر و لطافت خویش، کانون خانواده را زیبا و با صفا سازد.

به دلیل ارزش و جایگاهی که اسلام برای زن قائل است، سفارش‌های بسیاری در زمینه تکریم، محبت و احترام به زن بیان شده است. دین اسلام زن را از جایگاه زن بودنش مورد تقدیر قرار می‌دهد. علی علیه السلام در این باره به نقل از پیامبر می‌فرماید: «احترام بانوان را پاس نمی‌دارد مگر کسی که بزرگوار و کریم است و به ایشان اهانت نمی‌نماید مگر کسی که پست و فرومایه است» (نهج الفصاحه).

اهمیت به استعداد و توانایی زن و قابلیت‌های اجرایی متعدد او همانند تعلیم‌پذیری، هدفداری و مسئولیت‌پذیری در برنامه‌ریزی زن در خانواده قابل توجه است؛ چرا که دوری از فطرت، بزرگترین ضربات را به توازن، تعادل و تکامل زن وارد می‌سازد.

وظایف زنان

امروز در جامعه شاهد هستیم که زنان سعی دارند در برخی شغل‌هایی وارد شوند که هیچ‌گونه سنخیتی با روحیات آنها ندارد، در حالی که امام اول شیعیان در خصوص واگذاری وظایف به زنان می‌فرماید: «لا تملك المرأة من الأمر ما يجاوز نفسها، فان ذلک انعم لجالها و ارحی لبالها و ادم جمالها»؛ به زنان بیش از توان آنها امور را تحمیل نکنید، زیرا این رعایت‌ها برای حال آنها مناسب‌تر، برای آرامش خاطرشان سودمندتر و برای دوام زیبایی آنها مؤثرتر است (نهج البلاغه: نامه ۳۱). بانوان گاهی فراموش می‌کنند که وظیفه اصلی زن مسلمان در مرحله اول شوهرداری و تربیت فرزندان است و انجام درست این وظایف شالوده اصلی نظام اسلامی را تضمین می‌کند تا راه سعادت و کمال الهی را سریع‌تر و بی‌خطر طی کند. وصی رسول خدا با درک این موضوع چنین به جامعه زنان خطاب می‌کند: «جهاد المرأة حسن التبعل»؛ جهاد زن، خوب شوهردارای کردن است. بنابراین شیوه صحیح همسرداری که ریشه استحکام خانواده در آن نهاده شده است، یکی از اصول مهم استراتژیک مسائل زنان است که ضروری است نظام اجتماعی، برای استحکام آن برنامه‌ریزی کند.

تکریم زنان

تکریم زنان یکی از شاخصه‌ها و نتایج مهم حکومت دینی است. امام علی (ع) در خطبه ۱۰۵ فراز ۹ تا ۱۱، به بیان نعمت‌های وسیع حکومت دینی می‌پردازد و تکریم زنان را یکی از شاخصه‌ها و نتایج مهم حکومت دینی می‌خواند: «وقد بلغتم من کرامه الله تعالى لکم منزله تکریم بها أماوکم و توصل بها جیرانکم...»؛ بر اثر کرامت الهی مقام و منزلتی یافتید که (حتی) کنیزان، شما را گرمی داشتند. در اینجا مولای متقیان (ع)، احترام به کنیزان (زنان تحقیر شده) را شاهد مثالی برای رشد جامعه دانسته‌اند، چراکه پیش از اسلام کنیزان هیچ منزلتی نداشتند. همچنین حضرت علی (ع)، زنان و مردان را دارای سرمایه‌های یکسانی از خلقت می‌دانند که هر یک به شکل متفاوتی در زن و مرد نمود پیدا کرده است. هرچند زن و مرد در برخی صفات مشترک هستند، اما در دیگر صفات با هم فرق دارند. «خيار خصال النساء شرار خصال الرجال: الزهود الجبن و البخل، فاذا كانت المرأة مزهوه لم تمكن

من نفسها و اذا كانت بخيله حفظت مالها و مال بعلها و اذا كانت جبانه فرقت من كل شيء يعرض عليها؛ بهتری خوی زنان، بدترین خوی مردان است که همانا تکبر، ترس و بخل است؛ پس هرگاه زن متکبر باشد، به کسی جز همسر سر فرود نمی‌آورد و هرگاه بخیل باشد، مال خود و همسرش را حفظ می‌کند و هرگاه ترسو باشد، از آنچه به او روی می‌آورد، می‌ترسد (نهج البلاغه: حکمت ۲۲۶).

معرفی الگوی مشارکت اجتماعی زن در نهج البلاغه

امام عارفان با بیان ساختار تشکیلاتی حضور زنان در نهادهای اجتماعی، بهترین الگوی ممکن در این حیطة را چنین ایراد می‌کنند: «ان استطعت ان لا تعرفن غیرک فافعل»؛ اگر می‌توانی کاری کنی که زنان، غیر از تو را (در تشکیلات) نشناسند، چنین کن (نامه ۳۱ / ۶۱). بر اساس مدل ارائه شده توسط امام علی علیه السلام، در چارچوب تشکیلات، ارتباط زنان فقط با مدیریت کل است و خواسته‌های آنان از طریق رأس مدیریت به زیر مجموعه‌ها منعکس می‌شود. توجه به این نکته که امروزه برنامه‌ریزی مباحث زنان در جهان دچار مشکل اساسی است و دنیای معاصر هنوز در شناخت زن و ویژگی‌های او تصور روشنی ندارد و از آنجا که با اصل قرار دادن تشابه زن و مرد به برنامه‌ریزی اقدام می‌کنند، هنوز هم نتوانسته‌اند به بهترین راهکار دست یابند. از این روست که ضرورت پرداختن به مباحث اساسی اسلام از قبیل قرآن و نهج البلاغه برای معرفی ارزش و جایگاه والای زنان در جهان هستی بیش از پیش احساس می‌شود.

مقام مادری زنان

آن حضرت در جایی دیگر، مقام مادری را مورد تقدیس و ستایش قرار می‌دهد و می‌فرماید: «اگر فرزند در حق مادر محبت کند، نمی‌تواند یک روز بارداری وی را جبران کند». در جامعه عرب قبل از اسلام، مردم برای زنان و دختران ارزشی قائل نبودند و اگر کسی دختردار می‌شد، او را زنده به‌گور می‌کرد. اما ظهور اسلام با تلاشهای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، آغاز تحولی بزرگ برای زنان بود. نگرشهای جدیدی در جامعه به وجود آمد که زن را مورد تکریم و احترام قرار می‌داد. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم هرگاه فاطمه علیها السلام، دختر گرامیش را می‌دید، او را بسیار گرامی می‌داشت و پیشانی دخترش را می‌بوسید. اصولاً احترام و نکوداشت مقام زن در سیره و گفتار اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم جلوه‌ای شاخص دارد. چنان که علی علیه السلام می‌فرماید: دختر حسنه است و پسر نعمت. حسنه ثواب دارد، ولی از نعمت حساب می‌کشند (درباره چگونگی استفاده از آن سؤال می‌کنند) «(مستدرک، ابواب الاولاد، باب ۵، خ ۶). و باز آن حضرت می‌فرماید: «کسی که دختری دارد، یاری، برکت و آمرزش خدا شامل حال او می‌شود» (همان).

علی (ع) برای حفظ شخصیت زن و جلوگیری از آسیب‌های جسمی و روحی وی، به مواردی اشاره می‌کند. از نگاه آن حضرت، زن می‌تواند با حفظ حریم خود در جامعه حضور یابد و در فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی شرکت کند و مانع تعدی بیگانگان شود. علی (ع) به زنان توصیه می‌کند هنگامی که برای تحقق مسئولیت‌های اجتماعی در اجتماع و محافل عمومی حضور می‌یابند، حریم و پوشش مناسب داشته باشند، در این صورت است که در برخوردهای اجتماعی از مصونیت لازم برخوردار می‌شوند. حیا و پاکدامنی اگرچه برای هر فردی نیکو و زیبنده است، اما برای بانوان نیکوتر و لازمتر است. از این رو امام علی (ع) در نهج البلاغه می‌فرماید: «پاداش مجاهد شهید در راه خدا، بزرگتر از پاداش فرد پاکدامن نیست که قدرت بر گناه دارد و آلوده نمی‌شود. همانا انسان پاکدامن فرشته‌ای از فرشته‌ها (ی خداوند) است» (حکمت ۴۷۴).

امروزه زنان بسیاری در اقصی نقاط جهان، منزلت و حریم انسانی خود را به خوبی پاس می‌دارند. حضرت علی (ع) سه خصلت متانت، احتیاط و حسابگری را از ویژگی‌های مهم زن مسلمان می‌داند. از سخن آن حضرت چنین استنباط می‌شود که زنان باید در مراودات اجتماعی، متانت و در عین حال قاطعیت داشته باشند. این کار برای جلوگیری از تعدی مردان بیماردل به آنها مفید است. آن حضرت همچنین یادآور می‌شود که زنان باید در مراودات اجتماعی، محتاط، دانا و زیرک باشند تا مورد طمع و سوء استفاده قرار نگیرند و جامعه به چشم کالایی مصرفی به آنها نگاه نکند. علی (ع)، ویژگی دیگر زن مسلمان را حسابگری می‌داند. آن حضرت به زنان حسابگر ارج می‌نهد و متذکر می‌شود که زنان حسابگر و دقیق، از مال و آبروی همسر خویش مراقبت می‌کنند. بنابراین اگر یک زن به سه صفت متانت، حسابگری و احتیاط مزین باشد، به راحتی و آزادی می‌تواند در خانه و اجتماع گامهای سازنده و مؤثری بردارد.

جایگاه زن در خانواده

ازدواج و تشکیل خانواده، نیاز و ضرورتی است که در سایه آن انسانها می‌توانند به رشد و تعالی برسند. بدون شک ارتباط بین اعضای خانواده مهم و در سطح اجتماع تاثیرگذار است. امروزه شاهدیم که صاحب‌نظران غربی از فروپاشی نهاد خانواده و روند رو به رشد خانواده‌های تک والدی احساس خطر می‌کنند و درصدد یافتن راه‌حلهایی مناسب برای کاستن از پیامدهای این مسأله هستند. آدام بورسوا نویسنده و محقق مسائل اجتماعی در ایالت ایلوی نويز آمریکا می‌گوید: بر اساس تحقیقات انجام شده، خانواده‌های امروزی که بدون ازدواج به وجود می‌آیند منبع قوی برای شکل‌دهی به فرزندان ندارند و نمی‌توانند وجدان اخلاقی کودک را به‌خوبی شکل دهند. این خانواده‌ها رو به متلاشی شدن و اضمحلال

هستند. امروز ۳۲ درصد از بچه‌ها نامشروع به دنیا می‌آیند، درحالی که در سال ۱۹۷۰، این تعداد ۱۱ درصد بود. لذا وضعیت بسیار نگران‌کننده است (بورسوا، ۱۳۸۳: ۱۱).

دین اسلام برای خانواده اهمیت محوری قائل است. زنان و مردان هر یک در سیستم اجتماعی، دینی و تربیتی خانواده، وظیفه و نقشی کلیدی بر عهده دارند. نقش مهم زن مسلمان در خانواده، تدبیر امور داخلی خانواده و نظارت مسئولانه بر این کانون پرمهر است. علی (ع) به این نقش اشاره می‌کند و می‌فرماید: «والمرأة راعیة علی بیت زوجها و هی مسئولة»؛ زن ناظر و مسئول امور خانه و همسرش است (شاملی، ۱۳۸۰).

او با نظارت صحیح خود در خانواده می‌تواند فضای صمیمانه و تفاهم‌آمیزی را ایجاد کند و زمینه یک زندگی سالم، بانشاط و همراه با موفقیت را فراهم سازد. از دیدگاه علی (ع)، زن در خانواده مسئولیت حساس و خطیری بر عهده دارد. خانه‌داری و رسیدگی به امور فرزندان و تربیت آنها، به همت و کوشش فراوان نیاز دارد. اصولاً رسالت مادری زیباترین و مقدس‌ترین وظیفه زنان است و جز مادران فداکار کسی نمی‌تواند این نقش را به خوبی انجام دهد. در همین راستا، وقتی رسول گرامی اسلام (ص)، مسئولیت‌های خانه را بین علی (ع) و همسرش فاطمه (ع) تقسیم می‌کند، به هر یک کاری متناسب با ویژگی‌های زن و مرد محول می‌کند. علی را به کارهای بیرون از منزل و فاطمه را به رسیدگی به امور خانه و پرورش فرزندان ترغیب می‌کند. حضرت فاطمه (ع) از این نوع تقسیم کار که هماهنگ با شخصیت و ویژگی‌های زن است، خشنود می‌شود و خدا را سپاس می‌گوید.

از نقشهای مهم زن در کانون خانواده، رازداری و صداقت نسبت به همسر است. صداقت و راستی، مهمترین عامل تحکیم خانواده است که موجب جلب اعتماد متقابل می‌شود و رفتار محبت‌آمیز را بین زن و شوهر پدید می‌آورد. بدیهی است زن و شوهر از دو خانواده متفاوت هستند که معمولاً فرهنگ و برخی عاداتهای آنها نیز متفاوت است. ایجاد تفاهم بین این دو فرد، به تلاش و فداکاری نیاز دارد. البته در این خصوص زن نقش بارزتری در زمینه همگرایی خانواده ایفا می‌کند. شاید از همین رو است که بزرگان دین، رفتار خوب زن با شوهر و به عبارتی خوب شوهرداری کردن را به منزله جهاد دانسته‌اند. یعنی ارزش مدارا و برخورد کریمانه زن با همسرش، همچون جهاد مجاهدی است که در راه خدا به مبارزه برخاسته است.

علی (ع) تمام سعی خویش را به کار می‌بست تا مردان جامعه، جایگاه ارزشمند زنان را درک کنند و بدانند که همسر و اعضای خانواده، بیش از هرچیز به مهر و محبت نیاز دارند و هیچگونه خشونت و بی‌حرمتی شایسته آنان نیست. آن حضرت می‌فرمود: «مردی که همسرش را بیازارد، نماز و هیچ کار

خیری از او نزد خداوند پذیرفته نیست و نخستین کسی است که وارد آتش می‌شود» (وسائل، ابواب احکام الاولاد، باب ۷، خ ۱).

علی (ع) همچنین می‌فرماید: «هر که به اهل (خانواده) خود بدی کند، از او امید احسانی نسبت به دیگران نمی‌رود» (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۶: ۱۲/۱۶۳). به عبارت دیگر، چنین فردی در مسئولیت‌های مهم اجتماعی و حتی در اداره زندگی فردی از شایستگی‌های لازم برخوردار نیست.

به دلیل عاطفی بودن زن، مرد باید در شکسته‌ها و ناکامی‌ها، تکیه‌گاه محکم او باشد و در عین حال، لازم است در پرتو مهر و عطوفت زن، مرد نیز به آرامش و تعالی برسد. بسیاری از گرفتاری‌های خانوادگی به مسائلی مربوط می‌شود که از سوی یکی از زوجین به دیگری تحمیل می‌شود. گاه نیز برخی اختلافات خانوادگی به مسائل جزئی و کم‌اهمیت و یا درخواست‌های غیرمنطقی زن یا شوهر برمی‌گردد. حضرت علی (ع)، خواسته‌های غیر منطقی زن و شوهر از هم را برای زندگی مشترک، آسیب‌زا می‌داند و از زنان و مردان می‌خواهد که در زندگی نسبت به هم مودت داشته باشند، چیزی را به یکدیگر تحمیل نکنند و زمینه رنجش هم را فراهم ننمایند. آن حضرت، ۹ سال با همسرش فاطمه (ع) با صفا و صمیمیت تمام زندگی کرد و وقتی از او درباره زندگی مشترکشان سوال شد، فرمود: «خدا را گواه می‌گیرم که در هیچ موردی فاطمه (ع) را به خشم نیاوردم و به او هیچ کاری را تحمیل نکردم. فاطمه (س) نیز چنین بود که در هیچ موردی خشم مرا برنمیگیخت و در هیچ امری از من سرکشی نکرد» (شاملی، ۱۳۸۳).

از آنجا که هدف اصلی پیوند ازدواج و تشکیل خانواده رسیدن به آرامش جسم و روان و تداوم نسل است، باید معیارهای انتخاب همسر به گونه‌ای باشد که ایجاد یک خانواده پایدار را تضمین کند. علی (ع) در موارد مختلف معیارهای انتخاب همسر نیکو را بیان فرموده است. یکی از این معیارها، هم کفو بودن زن و مرد است. یعنی زن و مرد، هم‌شأن و همتای یکدیگر باشند، زبان و منطق هم را بفهمند و در بعد اعتقادی و فکری به یکدیگر نزدیک باشند و همدیگر را کامل کنند. همان طور که علی (ع) می‌فرماید: «مؤمن هم کفو مؤمن است» (همان). در جایی می‌گوید: «هر مردی همسنگ و همترازش را از بین زنان برگزیند. زن هم در گزینش همسر، مردی را انتخاب کند که همسنگ او باشد» (مرحوم المقوم، وفات الصدیقه، ص ۲۳). از نظر اسلام، هم‌شأن بودن زن و شوهر، دین، فرهنگ، شخصیت و اخلاق و برخی خصوصیات جسمی را شامل می‌شود. در این رابطه، ویژگی‌های ظاهری چون سن و هوش و سایر عوامل فردی نیز می‌تواند از معیارهای انتخاب همسر باشد. به این ترتیب، مناسب است زنان و مردان در آستانه ازدواج، برای پیشگیری از مشکلات آینده، به ویژگیها و شرایط یکدیگر توجه داشته باشند و همسری را برگزینند که از نظر صفات کلی به آنها نزدیک باشد. در

مجموع با انتخاب درست و همچنین تفاهم و گذشت و شکیبایی می‌توان محیطی آرام، سالم و سرشار از موفقیت را برای همسر و فرزندان مهیا نمود.

نقصان عقل زن در نهج البلاغه

در نهج البلاغه فیض السلام، از امام‌السلام نقل شده است: «معاشر الناس، انّ النساء نواقص الايمان، نواقص الحظوظ، نواقص العقول...»؛ ای مردم، زنان ایمانشان ناقص است، حظ و بهره‌شان کم است، عقل‌هایشان کم است (خطبه ۷۹). علامت نقصان و کمی ایمانشان این است که می‌بینیم از نماز و روزه در دوران ماهیانگی‌شان معاف هستند. اما علامت نقصان عقل‌هایشان این که شهادت دو زن به جای شهادت یک مرد است. اما علامت نقصان بهره‌شان این است که میراث زن، نصف میراث مرد است. پس شما بپرهیزید از شرّ زنان و از بهترینشان برحذر باشید و در معروف و کار خیر اطاعتشان نکنید تا این که در کار منکر و بد، طمع به خود راه ندهند.

این ترجمه‌ای متعارف بود، اگر کسی برداشت کند که این سخنان، کرامت زن را آنچنان که هست بیان نکرده، یا آن گونه که دشمنان ما می‌گویند، اهانت به مقام زن کرده، شاید قابل قبول باشد. اما این نکته ناشی از آن است که سخن به درستی تحلیل نشده، چرا که ترجمه هیچگاه نمی‌تواند رسای به تفسیر مقاصد و مفاهیم مورد نظر گوینده باشد. به دو نکته باید توجه داشت: مضمون کلام و مناسبت‌های تاریخی و شرایط حاکمی که این سخن در آن شرایط گفته شده است. نخست به مناسبت‌های تاریخی این سخن می‌پردازیم. البته باید یک نکته را یادآوری کرد که این سخنان، سندی هم دارد، البته نه آنچنان سندی که دارای شرایط خاصی در فقه است، بلکه شرایط لازم برای قبول یک خبر در این نکاتی که در نهج البلاغه آمده است وجود دارد، یعنی تنها سید رضی نیست که این سخنان را نقل کرده است، بلکه دیگران نیز نقل کرده‌اند و اگر گاه در سندیت شبهه می‌شود یا ایرادی گرفته می‌شود، شرایط خاصی است که فقط در فقه مطرح است و آن مخصوص فقه و برای استنباط احکام شرعیه است.

در جامعه‌ای که در آن، امیرالمؤمنین علی‌السلام زمام امور را به دست گرفته، هر لحظه خوف آن می‌رود که از زن، به‌عنوان ابزاری برای پیش‌برد اهداف سیاسی استفاده شود. امام می‌خواهد این زمینه را منتفی کند، این پایگاه توطئه‌گران و فتنه‌جویان را نابود کند و با نابودی این پایگاه‌ها، توطئه‌ها خاموش شود. این سخن، بخشی از یک نامه طولانی است که امام در زمان اشغال سرزمین مصر به‌وسیله عمرو بن عاص و پس از شهادت محمد بن ابی بکر، نوشته و برای مردم مصر فرستاده است تا برای مردم مصر

ترجمه زن از دیدگاه امیرالمؤمنین علی

خوانده شود و به همین دلیل است که برخی آن را در خطبه‌ها آورده‌اند و برخی در نامه‌ها، چرا که هم به صورت نامه و هم به صورت خطبه ایراد شده بود.

در این نامه طولانی، امام کلیه حوادث بعد از رحلت پیامبر را که جامعه اسلامی به خود دیده است، تشریح می‌کند و در حقیقت، اجمالی از تاریخ سیاسی اسلام بعد از رحلت پیامبر (ص) را بیان می‌نماید تا به جریان جمل می‌رسد و جنگ جمل و انگیزه‌های به وجود آورنده این فتنه و فاجعه را توضیح می‌دهد و از زمینه‌هایی که باید در جامعه از بین برود تا این فتنه‌ها به وجود نیاید سخن می‌گوید. در این رابطه است که امام به مسأله زن می‌رسد، زن، آن موجودی که در برپا شدن این فاجعه و این فتنه، نقشی عظیم داشته است و کار چنین شده است که فرصت‌طلبان و پیمان‌شکنان برای دستیابی به اهداف پلیدشان، از این نقطه ضعف جامعه سود برده‌اند نقطه ضعف‌هایی که هرگاه در جامعه موجود باشد، هر فتنه‌گر و توطئه‌گری می‌تواند از آن استفاده کند. امام می‌خواهد این پایگاه توطئه‌گران و فتنه‌جویان را نابود کند و با نابودی این پایگاه‌ها، توطئه‌ها خاموش شود. مسأله زن در سخن امام (ع) با این مناسبت تاریخی آغاز می‌شود: به عنوان یک نقطه کور در جامعه، یک نقطه ضعف، زمینه‌ای برای سوء استفاده توطئه‌گران از زنی که از آن موقعیت خاص و مسئولیت‌های خاص خودش پا فراتر می‌گذارد و به مسائلی می‌پردازد که از عهده او بیرون است و از او خواسته نشده است. مخصوصاً که این زن از یک سلسله خصائص هم برخوردار است که جامعه‌پسند است و توده‌های مردم از این خصیصه‌هایی که در او وجود دارد، بهتر و بیشتر استقبال می‌کنند، در این موقعیت و با این شرایط تاریخی است که امام این سخنان را می‌گوید.

اما تفسیر محتوای کلام؛ در این سخن، کلمه «ایمان»، «حظ» و کلمه «عقل» به کار رفته است. ما روی این سه کلمه کمی تأمل می‌کنیم. ایمان به چند معنا به کار رفته است: گاه ایمان، صرفاً به مسأله اعتقاد، اعتقاد جازم و عقیده قلبی گفته می‌شود و به آن گره و آن حالت جزم و یقین فکری اطلاق می‌شود که ناشی از تفکر و استدلال و دیگر ابزار شناخت است. انسان با تکیه و استفاده از ابزار مختلف شناخت به یک سلسله باورهایی می‌رسد که به آن باورها ایمان گفته می‌شود. این یک معنای ایمان است. ایمانی که در این سخن امام آمده به این معنا نیست، به دلیل تفسیری که به دنبال دارد. گاه ایمان، به معنای عمل و مسئولیت‌های ناشی از عقیده است، چرا که ایمان تجلی عقیده در عمل است. وقتی عمل جلوه‌گاه عقیده انسان باشد، به نام ایمان و به اسم ایمان مطرح می‌شود. ایمان آن اعمال ناشی و سرچشمه گرفته از اعتقاد قلبی انسان است. باز ایمان به این معنا در قرآن و در متون اسلامی آمده، اما در سخن امام ایمان به این معنا هم نیامده است.

گاه ایمان، به معنای عمل و مسئولیت‌های حاکی از اعتقاد است. در بسیاری از موارد، به عمل انسان و مسئولیت‌ها و عقاید باطنی که آن عمل نشان دهنده و ارائه دهنده آنهاست، ایمان گفته می‌شود. و معنای چهارم ایمان که در موارد مختلف به کار رفته است، معنای عمل و مسئولیت‌هایی است که در مقوله‌های حقوقی و در نظام ارزشی و به تعبیر دیگر در شرع از انسان خواسته‌اند. ایمان، آن گونه مسئولیت‌هایی است که شرع بر اساس عقاید انسان از او طلب می‌کند. در سخن امام‌الستاد (ع) ایمان به همین معنا به کار رفته است، چرا که به دنبالش تفسیر شده، «و اما نقصان ایمان» یعنی اما این که مسئولیت‌های زن سبک است، کمتر است، دلیلش این است که اسلام نماز و روزه را در زمان عادت ماهیانه‌اش از او نخواست است. اسلام از زن، مسئولیت‌های سنگین نخواست است. نقصان ایمان به این معنا و کمبود مسئولیت‌هایی که بر عهده زن گذاشته شده و نقصان وظایفی که از زن خواسته شده، نه اهانت به مقام زن است، نه کمبودی در شخصیت زن و نه چیزی از مقام و منزلت زن می‌کاهد، بلکه این کم کردن مسئولیت‌ها صرفاً از تفاوت‌های فیزیکی و روحی ناشی می‌شود. امام سعی دارد سیما و شخصیت زن را آن گونه که هست، آئینه‌وار ارائه بدهد، یعنی درست انگشت روی نقطه ضعف‌ها بگذارد تا زن در جامعه اسلامی بتواند با جبران این کمبودها این خلأها را آنچنان پر کند که فاطمه‌وار و زینب‌وار نقش سازنده خود را در جامعه ایفا کند.

در مورد عقل نیز معانی مختلفی وجود دارد. نخستین معنایی که از «عقل» دریافت می‌شود، مبدأ ادراک و حیات فکری انسان است. عقل مبدأ ادراک و تفکر انسان است. گاه به معنای اثر این مبدأ، به معنای مصدری، آن تفکر و تعقل و ادراکی را که خاصیت این مبدأ انسانی و مبدأ شعور او است عقل می‌نامند. گاه نیز مسأله عقل به معنای پیامدهای تفکر است، آن حالت‌هایی که برای انسان بر اساس تفکر و بر اساس تعقل پیش می‌آید. صبر و استقامت، تحمل، مسأله ضبط، مسأله دقت و مسائل مشابه، از آثار و پیامدهای تعقل و تفکر است.

در این جمله امام‌الستاد (ع) که می‌فرماید زنان در عقل ناقصند، به دلیل تفسیری که در ادامه می‌آید، منظور این نیست که مبدأ فکری زن از نظر کمی یا کیفی کوچکتر یا کمتر از مرد است و حتی به معنای تفکر به معنای مصدری نیز نیست. بلکه منظور آن آثاری است که از تفکر زن، به تناسب نیروهای جسمانی و روحی اندک و ضعیف او، برخاسته است؛ یعنی: صبرش، استقامتش، تحملش، حافظه‌اش، دقتش. اگر کمبود این سلسله مسائل در زن بر اساس تفاوت‌های موجود بین او و مرد باشد، به معنای آن نیست که به زن اهانت شده یا مقام زن پائین‌تر از آنچه که هست معرفی شده است.

تفاوت‌های موجود بین زن و مرد از مقولات ارزشی و حقوقی نیست و قابل جعل نمی‌باشد و به همین دلیل نابرابری‌هایی در قبول مسئولیت‌ها ایجاد می‌کند. مسأله عقل، مسأله حظّ و مسأله ایمان در رابطه

با همین دید مطرح می‌شود و امام سعی دارد که سیما و شخصیت زن را آن گونه که هست، آئینه‌وار ارائه دهد (حجت الإسلام عمید زنجانی).

امام علی (ع) در شرایطی از مقام زن سخن می‌گوید، از نقصان عقل و نقصان ایمان زن سخن می‌گوید که همسری چون فاطمه دارد. اگر ما به همین اصل توجه داشته باشیم، بسیاری از مسائل حل می‌شود. در برابر دیدگان علی (ع)، فاطمه بوده است و در شرایطی که علی (ع)، فاطمه را در زندگی دیده است، پس از سالها این سخن را بر زبان می‌آورد تا زنان جامعه با توجه به خلأها و کمبودها خود را به مقامی چون فاطمه و دخترش زینب برسانند.

نتیجه‌گیری

امام علی (ع) زن را این گونه تعریف می‌کند: زنان مقام و منزلتی مساوی مردان دارند با این تفاوت که زنان فطرتی لطیف دارند و بر اساس این فطرت، وظایف خاصی دارند. از نگاه آن حضرت، زن می‌تواند با حفظ حریم خود در جامعه حضور یابد و در فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی شرکت کند و مانع تعدی بیگانگان شود. البته زن در مسئولیت‌های مهم اجتماعی و حتی در اداره زندگی فردی، به دلیل عاطفی بودنش از شایستگی‌های لازم برخوردار نیست. بنابراین مرد باید در شکست‌ها و ناکامی‌ها، تکیه‌گاه محکم او باشد و در عین حال لازم است در پرتو مهر و عطوفت زن، به آرامش و تعالی برسد. پس اگر هر کدام در جایگاه اصلی خود قرار گیرند، بنیان خانواده پایدار خواهد ماند. در جای دیگر امام علی (ع)، مقام مادری را مورد تقدیس و ستایش قرار داده که این مقام در درون زن نهاده شده است.

فهرست منابع

نهج البلاغه

نهج الفصاحه

ابن ابی الحديد. (۱۳۸۶). شرح نهج البلاغه، محقق محمدابوالفضل ابراهيم، قم: مكتبة آيت الله مرعشي نجفی.

بورسوا، آدام. (۱۳۸۳). «افول اخلاقی آمريکا». در فصلنامه مکاتبه و اندیشه، شماره ۲۰، زمستان ۱۳۸۳، صص ۹۵-۱۰۷.

حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله. (۱۴۱۷ق). مستدرک علی الصحيحین. قاهره: دارالحرمین.
حر العاملي، محمد بن حسن. (بی تا). وسائل الشیعه إلى تحصیل المسائل الشریعه. قم: مؤسسه آل بیت لإحياء التراث.

شاملی، عباسعلی. (۱۳۸۰). «منزلت زن در اندیشه والای امیرالمومنین(ع)»، در فصلنامه کتاب زنان، شماره ۱۱.

علائی رحمانی، فاطمه. (۱۳۶۹). زن از دیدگاه نهج البلاغه. قم: سازمان تبلیغات اسلامی.
واتسون، هلن. (۱۳۸۲). «زنان و حجاب»، ترجمه مرتضی بحرانی. در فصلنامه کتاب زنان، شماره ۲۰، تابستان ۱۳۸۲، صص ۳۰۹-۳۳۰.





تکریم زن از دیدگاه امیر المومنین علی علیه السلام در نهج البلاغه